



من ازین خانه پر نور به در می نروم

من ازین خانه پر نور به در می نروم
من ازین شهر مبارک به سفر می نروم
منم و این صنم و عاشقی و باقی عمر
من ازو - گر بکشی - جای دگر می نروم
گر جهان بحر شود ، موج زند سرتاسر
من بجز جانب آن گنج گهر می نروم
تو مسافر شده ای تا که مگر سود کنی
من از این سود حقیقت به مگر 1 می نروم
مغز را یافته ام ، پوست نخواهم خایید
ایمنی یافته ام ، سوی خطر می نروم
تو جگر گوشه مایی ، برو ، الله معک 2
من چو دل یافته ام ، سوی جگر می نروم

مولانا جلال الدین محمد بلخی

1. به مگر ، به سود احتمالی

2. الله معک ، خدا همراهت